



زنان و اقتصاد

اثر شارلوت پر کینز گیلمن

بر اساس ویرایش دایان راویچ



زنان و اقتصاد

اثر شارلوت پرکینز گیلمن
بر اساس ویرایش دایان راویچ



توانا

TAVAANA

آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education

THE AMERICAN READER.
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner
whatsoever without written permission except in the case of brief
quotations embodied in critical articles and reviews.
For information address HarperCollins Publishers Inc.,
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

زنان و اقتصاد

(Women and Economics)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نویسنده: شارلوت پرکینز گیلمن (Charlotte Perkins Gilman)

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که میشمار صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

فهرست

۹

۱۱

مقدمه دایان راویچ

زنان و اقتصاد

مقدمه دایان راویچ

«زن ناچار است ثروت، قدرت، امتیاز اجتماعی، شهرت- نه تنها این بلکه خانه و خوشبختی، آوازه، آسایش و لذت و غذا- همه را از طریق حلقه طلای ازدواج به دست آورد.»

شارلوت پرکینز گیلمن^۱ یکی از نظریه پردازان مهم فمینیسم در دوره ترقی خواهی در آمریکا بود. شارلوت که در ۱۸۶۰ به دنیا آمد کودکی سختی داشت. پدرش مادرش را ترک کرد و خانواده را در فقر رها کرد. در سال ۱۸۸۴ ازدواج کرد و دختری به دنیا آورد. زیر فشار کارهای روزمره خانه دچار آشفتگی روانی شد که در داستان کوتاه مشهورش، به نام «کاغذدیواری زرد»، آن را روایت کرده است. در سال ۱۸۸۸ شوهرش را ترک کرد و بچه را با خود برد. بعد از طلاق، شوهرش با بهترین دوست او ازدواج کرد، شارلوت هم دخترش را فرستاد که با آنها زندگی کند، و به این ترتیب خودش را برای کار و سخنرانی آزاد کرد. در کنار نوشتن داستان کوتاه

1. Charlotte Perkins Gilman (1860-1935)

و شعر، با سخنرانی درباره زنان، کار و سازماندهی اجتماعی امرار معاش می کرد. در سال ۱۹۰۰، بار دیگر ازدواج کرد اما به زندگی پرکارش در نویسندگی و سخنرانی ادامه داد. از ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۶ به تنهایی ماهنامه فمینیستی پیشگام^۱ را منتشر کرد. اثر اصلی اش به نام زنان و اقتصاد^۲ که در ۱۸۹۸ منتشر شد، در دفاع از استقلال اقتصادی زنان است. گزیده زیر از این کتاب است.

1. The Forerunner
2. Women and Economics

زنان و اقتصاد

از پشت نرده‌های پنجره

اعمال خود ما بیش از اعمالی که در حقمان روا می‌شود، ما را تغییر می‌دهد. آزادی بیان بیش از آزادی عقیده در زنان محدود و کنترل شده است. زن دنیایی را که در آن زندگی کرده، از پشت نرده‌های پنجره دیده است. هوا از لای چین‌های پرده گذشته، دانش از فیلتر گفته‌های مردان گذشته و به گوش‌های مشتاق او رسیده: درست مثل دزدمونا که آگاهی‌اش را از اتللو آموخت. اگر بیشتر می‌دانست، بیشتر عمر می‌کرد. اما در جریان میل روزافزون انسان به آفرینش، توان و اراده برای ساختن، انجام دادن و بیان روح تازه فرد در شکل‌های تازه، زن به کلی محروم مانده است. زن ممکن است هنوز هم به شکل اولیه مشغول انجام کارهای ابتدایی خانه باشد، اما در جریان رشد اجتناب‌ناپذیر همه صنایع به سطح حرفه‌ای هم کوشیده‌ایم جلوی زن را بگیریم. کار با دست بدون مزد و خدمت بدنی به خانواده چیزی است که زن اجازه انجام‌اش را دارد؛ در واقع مجبور به آن است. اما انجام کاری بیش از این حد برای او ممنوع است. کار او نه از نظر نوع، بلکه از نظر درجه محدود شده است. هرآنچه را جایز به انجام‌اش هست، باید در خلوت و تنهایی انجام دهد، درست مثل صنایع بی‌واسطه دوران توحش....

سنت، مذهب، عادت

بررسی تاثیر تدریجی این شرایط بر زنان ناراحت کننده، ولی جالب است: اول کارکرد قوانین طبیعی است، که همان طور که روی سایر حیوانات عمل می کنند، روی زن عمل می کنند. سپس می رسیم به تکامل عرفها و قواعد اجتماعی (که زن در آنها نیروی فعال است) که صرفا تابع نیروهای جسمی محض اند و به شدت آنها را افزایش می دهند. آنگاه همراه با رشد تمدن، انباشت بی وقفه سنت را شاهد هستیم که با نیروی فزاینده تحصیل در ذهن هر نسل حکم می شود و از طریق هنر زیبا جلوه می کند، مذهب به آن قداست می دهد و عادت آن را مطلوب می کند. پس از آن فشار مداوم نیاز اقتصادی که کل ساختار بر پایه آن استوار است، به طور پیوسته از سطوح پایین عمل می کند. در واقع، اینها شرایط موثری برای ایجاد تغییر هستند.

وراثت

اگر به خاطر قانون طبیعی وراثت که استثنا نمی شناسد نبود، این روند حتی می توانست موثرتر و کم زحمت تر باشد. هر فرزند دختری از پدرش درصد مشخصی رشد بشری، قدرت بشری و گرایش بشری به ارث می برد، و هر پسر هم از مادرش درصد مشخصی رشد جنسیتی، قدرت جنسیتی و گرایش جنسیتی به ارث می برد. نقش وراثت این است که تغییراتی را که محیط و آموزش ایجاد کرده همسان می کند؛ این امر سبب شده که ما زنان از سرنوشتی شبیه سرنوشت شب پره کولی ماده^۱ نجات پیدا کنیم. در واقع وراثت (در مقابل عوامل محیطی) زنان و مردان را سر جای شان نگه داشته است، و تلاش های نامعقول ما انسان ها را برای این که یک جنس را میلیون ها سال عقب تر از دیگری نگهداریم، به شدت محدود کرده است. اما وراثت به طرز وحشتناکی به رنج و گرفتاری زندگی بشر افزوده است - دشواری و رنجی که باید مدت ها پیش به ما می آموخت که در مسیر اشتباه هستیم. هر زنی که متولد می شود، طی جریان فعالیت نسل ها و آنچه از پدرش به او می رسد، انسان به دنیا می آید، اما از سوی دیگر جایگاه سنتی اش در جامعه او را به زن تبدیل می کند، و در نتیجه مجبور است همان روند محدودیت، سرکوب و انکار

۱. گونه ای از شب پره بومی اروپاست. در پی انقلاب صنعتی اروپا و افزایش آلودگی هوا، نوع ماده این حشره که رنگ روشن تری از نوع نر دارد، بیشتر طعمه شکارچیان می شد، و به عبارتی قربانی تغییر شرایط محیطی بود.

را در زندگی‌اش تجربه کند؛ همان «نه» سرکوبگری که همه خواسته‌های انسانی او برای آفرینش، کشف، آموختن، بیان، و پیشرفت را در هم شکسته است...

دنیای محدود به ازدواج زنان

دنیا پیش روی مرد جوانی که با زندگی مواجه می‌شود، گسترده است. هر توانی را که در وجودش هست می‌تواند به کار ببندد. اگر ابتدا در انتخابش اشتباه کند، می‌تواند دوباره و دوباره دست به انتخاب بزند. اگر در مسیری موفق یا موثر نباشد، می‌تواند در زمینه دیگری بهتر نقش ایفا کند. نیازهای رو به رشد و متنوع بشریت او را به خدمت در زمینه‌های مختلف فرا می‌خواند که او رشدش را در آنها می‌یابد. می‌تواند برای رسیدن به هر آنچه می‌خواهد تلاش کند. می‌تواند برای به دست آوردن هر آنچه می‌خواهد، بکوشد. می‌تواند برای به دست آوردن ثروت، قدرت، امتیاز اجتماعی، شهرت و هر آنچه می‌خواهد، تلاش کند.

زن جوانی که با زندگی مواجه می‌شود هم همان دنیا را پیش‌رو دارد، با همان نیرو و میل و بلندپروازی درونی. اما هر آنچه او آرزوی داشتن یا انجامش را دارد، باید از یک کانال واحد و انتخاب واحد بگذرد. ثروت، قدرت، امتیاز اجتماعی، شهرت - و نه تنها این‌ها بلکه خانه و خوشبختی، آوازه، آسایش و لذت و غذا - همه را باید از طریق حلقه طلای ازدواج به دست آورد. و این فشار بسیار سنگینی است که به واسطه وراثت پشت او جمع شده و از طریق محیط ادامه پیدا کرده است، تا جایی که خود او هم این موقعیت را پذیرفته است و با انگیزه فراوان، تاثیر آن را بر زندگی دخترش پیاده می‌کند. آیا عجیب است که زنان زیادی گرفتار جنسیت هستند؟ اما با توجه به وراثت مدام زنان از جنس مذکر، ما باید خیلی پیش از این به زنبورهای ملکه تبدیل می‌شدیم. اما دختر سرباز و ملوان و هنرمند و مخترع و بازرگان، در ذهن و تن‌اش سهمی از رشد مردان را که در هر نسل صورت گرفته، به ارث برده و با همه زنانگی‌اش انسان مانده است.

